

العالمین

گلچینی از جلوه‌های جمال در سوره‌های قرآن، سوره حمد

علی چراغی

دبیر ادبیات زبان عربی

اشاره

شاید در کلاس‌های درسی مورد استفاده قرار گیرد و فرزندان ما بیش از پیش برای انس با قرآن انگیزه پیدا کنند. در شماره‌های قبل بخشی از این مقاله تقدیم شد و اینک ادامه آن پیش روی شماست.

کلیدواژه‌ها: حمد، قرآن، ام‌الکتاب، سوره، سبع المثانی

قرآن، کتاب خدا و معجزه جاودانه اوست. با آن انس و جن را به تحدی طلبید تا اگر می‌توانند نظیر آن یا سوره‌ای چون آن را بیاورند. اما هیچ‌کس را یارای آن نبود که با آن هم‌وردی کند؛ از بس شکوهمند و متعالی است و در آن، لفظ و مضمون به گونه‌ای بی‌نظیر در خدمت یکدیگرند.

مراد از اعجاز قرآن و تحدی در زمان نزول آن، قطعاً اعجاز علمی نبوده اگر چه برای دوره‌های بعد تحدی علمی هم می‌باشد، بلکه اعجاز از نظر لغت و بیان که سخت مورد توجه عرب‌زبانان است بوده زیرا جامعه بی‌سواد عرب را با علوم دیگر آشنایی نبوده است تا خداوند اعجاز علمی قرآن را به رخ آنان بکشد. این بعد از اعجاز قرآن، برای عصر ما و دوره‌های بعد از ماست که بشر توانسته است بر مختصری از علوم غیرادبی دست یابد.

خداوند متعال تمام سخن‌دانان و سخن‌سنجان را برای آوردن نظیر قرآن به مبارزه طلبیده است، چون می‌داند هیچ سخنوری را یارای مقابله با آن نیست و هرگاه گام در این راه نهاد، خود را رسوا ساخت.

به راستی چرا کسی را توانایی آوردن همسان قرآن نیست؟ پاسخ به این پرسش کاملاً روشن است. زیرا در قرآن معجید، دقت در اختیار مفردات شگفت‌انگیز است و هر واژه‌ای در جایی قرار گرفته است که باید باشد. اگر آن را با کلمه مترادف دیگری جای‌گزین کنند یا آن را مقدم و مؤخر کنند یا هر تغییر دیگری در آن به وجود آورند، دیگر معنای مورد نظر را القا نخواهد کرد. هدف از این مجموعه مقالات آن است که اگر خدا توفیق دهد، حتی‌المقدور گوشه‌هایی از این بُعد از اعجاز قرآن را در تمام سوره‌ها به عرض دبیران ارجمند قرآن، دینی برسانم؛

۱. «رب العالمین» بودن مفهوم برخوردار بودن از همه صفات حسنی الهی را می‌رساند و مناسب‌ترین عبارتی است که می‌تواند بعد از «الحمد لله» آورده شود، هیچ عبارتی نمی‌تواند جای آن را بگیرد و همین مفهوم را برساند، زیرا «رب» هم مالک است و هم سئید، مربی، منعم و قیّم؛ و از این جهت، بیش از هر کس دیگری سزاوار «حمد» است.

۲. در لغت، جمع «عالم»، «عوالم» است و اینکه آن را به صورت «العالمین» آورده، بدان سبب است که جمع مذکر سالم بر عقلای مکلف دلالت دارد و غیرعقلا را شامل نمی‌شود. در تأیید این مطلب می‌توان آیه زیر را استشهاد نمود: «تبارک الذی نزل علی عبده الفرقان لیكون للعالمین نذیراً» (فرقان/ ۱): (بزرگ و خجسته است کسی که بر بنده خود فرقان را نازل فرمود تا برای جهانیان هشدار دهنده‌ای باشد) تأکید این هشدار نمی‌تواند چهارپایان، جمادات و امثال آنان باشد، بلکه مقصود از «العالمین» عاقلان مکلف است و «عوالم» بر موجوداتی اطلاق می‌شود که قطعاً «بشر» و عقلای مکلف جزو آن‌ها نیستند، بلکه بر موجوداتی چون جمادات، حشرات و حیوانات اطلاق می‌گردد.

۳. آوردن لفظ «العالمین» که بر عقلای مکلف دلالت دارد، از نظر معنی با ادامه آیات سوره (ایاک نعبد و ایاک نستعین، إهدنا الصراط المستقیم) که به عقلای مکلف اختصاص دارند، متناسب است.



در برخی قرائت‌ها «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» آمده است اما چندان مهم نیست؛ زیرا در مورد انسان‌ها است که «مَلِكِ» و «مَلِكِ» تفاوت دارند. بدین معنی که هر «مَلِکی» مالک هم هست اما هر «مالکی» الزاماً «مَلِكِ» نیست.

۴. در این سوره تا حد زیادی «عبادت» با «الله» قرین و «رب» با «مرئی» مقتن شده و این رویه در کل قرآن لحاظ گردیده است؛ مثل: طه/ ۱۲۲؛ الأعلى/ ۱-۳؛ أنعام/ ۱۶۱؛ كهف/ ۲۴؛ شعراء/ ۶۲؛ صافات/ ۹۹؛ قصص/ ۲۲.

الرحمن الرحيم

پیش از این در خصوص «الرحمن الرحيم» توضیح لازم داده شده است و در اینجا فقط یادآور می‌شویم که «رحمن» و «رحيم» از اسماء حسناى الهی هستند و اسماء الله عين ذات اویند؛ از این رو می‌توان فهمید که خداوند با آوردن «الرحمن» و «الرحيم» پس از «رب العالمين» خواسته است این معنا را القا کند که مرئی چه در مقام «مرئی» باشد و چه در مقام «سید»، «قیّم» و... باید پیوسته متّصف و آراسته به «رحمت» باشد نه «قسوت».

مالک يوم الدين

۱. در برخی قرائت‌ها «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» آمده است اما چندان مهم نیست؛ زیرا در مورد انسان‌ها «مَلِكِ» و «مَلِکِ» تفاوت دارند. بدین معنی که هر «مَلِکی» مالک هم هست اما هر «مالکی» الزاماً «مَلِكِ» نیست اما در مورد خداوند متعال، «مَلِکِ» بودن او عين «مالک» بودن و «مالک» بودنش عين «مَلِکِ» بودن اوست؛ زیرا مراد از «يوم الدين» در این آیه «روز قیامت» است که هیچ انسانی در عالم هستی زندگی نمی‌کند تا «مَلِکِ» یا «مَلِکِ» باشد و همه موجودات زنده، از جمله انسان‌ها، با صور اول اسرافیل (ع) به مردگان می‌پیوندند تا اینکه برای رسیدگی به حسابشان، در صور دوم دمیده می‌شود تا همه مردگان زنده و محشور شوند و در آن روز کسی جز ذات اقدس باری تعالی «مالک» و «مَلِکِ» نیست.

۲. ممکن است سؤال شود که چرا خداوند متعال نفرمود: «مالک الدين و الدنيا»؟

پاسخ به این سؤال روشن است؛ زیرا «الحمد لله رب العالمين» در آیه قبل، پادشاهی و مالک بودن خداوند را در دنیا القامی کند و آیه «مالک يوم الدين»، مفهوم مالکیت خدا را بر دنیا و آخرت می‌رساند. بنابراین دیگر نیاز به آوردن لفظ «دنيا» با «يوم الدين» نیست.

۳. به جای «مالک يوم الدين» نفرموده است: «مالک يوم القیامه»؛ چون:

واژه «دين» هم به معنی «جزاء» است، هم «حساب»، هم «طاعت» و هم «قهر». از این رو، هم با «رب العالمين» تناسب بیشتری دارد و هم با عقلای مکلفی که «يوم الدين» به سرنوشت آن‌ها تعلق دارد. از طرف دیگر، در «يوم القیامه» امری هست که با «جزاء» و ملاً با عقلای مکلف ارتباطی ندارد اما تمام معانی «دين» به عقلای مکلف تعلق دارد.

۴. با توجه به امکان نداشتن تملک «يوم»، چرا فرموده است: «مالک يوم الدين»؟

بلی، «يوم» را فرموده اما مراد هر که و هر چیزی است که در روز است نه خود روز؛ بدین معنی که خداوند بر همه موجودات و حوادث آن روز مالکیت و ملکیت مطلق دارد. از طرف دیگر، آوردن لفظ «يوم» با «الحمد لله رب العالمين» پیوستگی عجیبی پیدا می‌کند و این مفهوم را می‌رساند که پروردگار از ازل تا ابد شایسته حمد و ستایش است.

پی‌نوشت

۱. برخی بر این باورند که «العالمين» مفرد از جنس خود را ندارد.